
**زن و جامعه مهدوی:
وظایف و مسئولیت‌ها**

میزگرد

اشاره

به دنبال برگزاری میزگردهای علمی با حضور کارشناسان مباحث مهدویت، در این شماره به بررسی موضوع زن و مهدویت پرداخته- ایم. عمده سوالاتی که در این زمینه مطرح است، عبارتند از:

۱. وجوه ارتباط مباحث مهدویت با زنان در کدام عرصه‌ها ممکن و قابل طرح است؟
۲. وجوه تمایز و تشابه نقش زنان در عرصه مباحث مهدویت با مردان در جامعه امروز چیست؟
۳. وظایف خاص زنان در باب مباحث مهدویت در شرایط کنونی کدام است؟
۴. زنان جامعه اسلامی برای ایفای بهینه وظایف و مسئولیت‌های خود می‌بایست دارای چه صفات و ویژگی‌هایی باشند؟
۵. مهم‌ترین وظایف تربیتی زنان به عنوان مادر در ترویج فرهنگ مهدوی چیست؟
۶. مهم‌ترین وظایف زنان جامعه اسلامی امروز به عنوان یک همسر در جامعه مهدوی امروز چیست؟
۷. مهم‌ترین وظایف زنان به عنوان یک عضو جامعه مهدوی چیست؟
۸. ایفای وظایف مربوط به مهدویت چه تأثیرات و کارکردهایی را برای زن امروز به همراه دارد؟
۹. مباحث مهدویت چگونه می‌تواند چالش‌ها و ضعف‌های

جریانات فکری موجود در فمینیسم رایج را پاسخ دهد؟
۱۰. راهکارهای بهینه سازی ایفای نقش و وظایف زنان در
جامعه مهدوی امروزی چیست؟

در این میزگرد با حضور کارشناسان محترم، صرفاً به بررسی
برخی از این مباحث پرداخته‌ایم. امیدواریم در فرصت‌های آتی،
دیگر محورها نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

دکتر بهروز لک: بحثی که ابعاد و زوایای آن در این جا مطرح خواهد شد، زن و
مهدویت و نقش زنان در ارتباط با مباحث مهدویت است، به عبارت دقیق‌تر: «زن و
جامعه مهدوی؛ وظایف و مسئولیت‌ها». از کارشناسان محترم، آقای دکتر سید رضی
موسوی و خواهران محترم، سرکار خانم مریم معین‌الاسلام و سرکار خانم شیده
صادقی که در این جلسه حضور یافته‌اند، سپاس گزارم.

در آغاز، چند تذکر لازم است. بحث ما صرفاً درباره نقش زنان در جامعه
مهدوی در عصر غیبت است. بدون تردید، زنان در عصر ظهور و فرایند ظهور نیز
نقش‌های مهمی دارند. در روایات آمده است که حداقل ۵۰ نفر از زنان جزء ۳۱۳
نفر یاران خاص حضرت خواهند بود. ما در این جلسه به عصر ظهور نخواهیم
پرداخت. آن بحث را طبعاً در فرصتی دیگر می‌توان دنبال کرد. آن چه برای ما - و
شاید برای جامعه امروز - مهم است، این می‌باشد که درباره عصر غیبت تمرکز کنیم
و نقش زنان را در جامعه مهدوی منتظر و در عصر غیبت مطرح کنیم. دومین نکته
این است که مباحث را از منظر نقش و مسئولیت‌های زنان مرور کنیم. بنابراین محور
نخست بحث ما، ترسیم ارتباط کلی مباحث مهدویت با زنان است.

خانم صادقی: یکی از مباحث مقدماتی، بحث وجوه تمایز و تشابه نقش زنان در
مباحث مهدویت با مردان است و این که وظایف خاص زنان چیست؟ مهم‌ترین
وظایفی که بانوان به عنوان عضو جامعه مهدویت دارند چه اموری می‌تواند باشد؟
فکر می‌کنم اینها برای شروع بحث، مناسب‌تر باشد.

خانم معین الاسلام: در ارتباط با مسئله زنان و ارتباطشان با مباحث مهدویت، بر این باور هستم که کسانی که به نوعی، مرتبط با مباحث مهدویت هستند و می‌خواهند گامی را در این راستا بردارند، اولین بحثی را که باید مورد مذاقه و بررسی قرار دهند، اهمیت نقش زنان در ارتباط با مباحث مهدویت است. غالباً، متولیان فرهنگی، ناباورانه به این مباحثی که در ارتباط با زنان هست، نگاه می‌کنند؛ چرا که فکر می‌کنم هنوز جایگاه واقعی زنان در عرصه فرهنگ، برای دین‌داران ما مشخص و معلوم نشده است؛ حداقل برای کسانی که متولیان فرهنگی جامعه ما هستند. اگر متولیان فرهنگ، این جایگاه را باور کنند، جدی‌تر به مسائل زنان می‌پردازند و گام‌های اساسی‌تر و اصولی‌تری را برمی‌دارند. بعضاً مشاهده می‌شود که مباحث، مقداری حالت مقطعی دارد و گاهی مواقع هم براساس این که اقتضای جامعه ما این است که نیم‌نگاهی هم به مسئله زنان داشته باشیم، به مباحث فرهنگی زنان می‌پردازیم. لذا فکر می‌کنم نقش زنان در مهدویت و جایگاه شایسته آنان باید مورد شناسایی و باور قرار گیرد.

البته این که فرمودید بحث ظهور و غیبت را از هم جدا کنیم، اینها خیلی تفکیک پذیر نیست. چون به هر حال، عصر غیبت، زمینه‌ساز ظهور است و نمی‌توانیم اینها را از هم جدا کنیم. اگر واقعاً ما به این باور برسیم که روایات متعددی داریم که جناب عالی هم به آن اشاره کردید؛ از جمله آنها این که امام باقر علیه السلام فرمودند که در میان ۳۱۳ نفر از اصحاب امام مهدی علیه السلام، از یاران امام زمان ۵۰ نفر زن هستند، پس به نظر می‌رسد که خداوند به عنوان طراح حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای زنان، یک جایگاه بسیار رفیع و بلندی را در این حکومت قائل شده‌اند و قطعاً برای زمینه سازی ظهور هم می‌توانند نقش‌های بی‌بدیلی داشته باشند.

به نظر من برای متولیانی که می‌خواهند در زمینه زن و مهدویت قدم بردارند، این نگاه باید پررنگ‌تر شود. از طرف دیگر نمی‌توانیم طراحی و برنامه ریزی برای مسئله

زن و مهدویت را بدون توجه به نگاهی که معارضان حضرت مهدی علیه السلام به زن دارند، داشته باشیم. آنها در فرایند جهانی سازی خویش به این نتیجه رسیده‌اند که در جنگ تمدن‌ها از تمامی ابزارها باید استفاده کنند. به ویژه زنان. آنها نوک تیز حملات خود را در جنگ تمدن‌ها متوجه زنان کرده‌اند؛ چرا که در محاسبات دقیق خود به این نتیجه رسیدند که بدون توجه و تأکید بر مسئله زنان نمی‌توانند به اهداف‌شان برسند. بنده بحثی را از یک جاسوس انگلیسی که راه‌هایی برای نابودسازی عوامل نیرومند اسلامی در ۲۲ بند مطرح کرده بود، می‌دیدم که هفت، هشت بندش را که بندهای مهمی است، برای زنان نقش جدی قائل شده‌اند. یکی دیگر از اهداف شوم دشمن، تخریب خانواده است؛ چرا که بدون تخریب خانواده‌ها نمی‌توانند به اهداف‌شان برسند. محور در خانواده، زن است. من احساس می‌کنم که نقش زنان، آن‌چنان که در طرف مخالف ما جدی گرفته شده است، در میان ما جدی نیست. از این‌رو مؤثرترین کار فرهنگی که در عرصه زنان، بایستی انجام داد، تقویت خودباوری نسبت به نقش بسیار کلیدی و مهمی که در جامعه به عهده دارند است؛ هم در حوزه مهدویت و هم در عصر حاضر.

دکتر بهروز لک: ان‌شاءالله که این جلسه، نشان‌گر اهتمام جدی جامعه علمی به این بحث است که اگر طبعاً در جامعه مهدوی امروز بخواهیم وارد بحث شویم باید زن‌ها هم دخیل باشند.

دکتر موسوی: به نظر می‌رسد نخستین نکته درباره مباحث مهدوی این باشد که اصلاً بخشی از مباحث مهدویت، فرا جنسیتی است و ربطی به شرایط جنسی زن و مرد ندارد. یک بخش از آن مباحث هم که در رابطه با نقش و وظایف جنس زن و مرد است شاید لزوماً اختصاص به جامعه مهدوی نداشته باشد و طبعاً یک دسته مباحثی را هم می‌توان در عرصه مهدویت مطرح کرد که شاید این دسته از بحث‌ها با جنسیت هم گره خورده است، مثل همان حدیثی که اشاره شد که ۵۰ نفر از

اصحاب ویژه امام مهدی علیه السلام از زنان هستند که در واقع یک ششم از اصحاب خاص ایشان می‌شود. یا تفسیری که خانم معین‌الاسلام داشتند مبنی بر این که گاهی می‌توانیم برای زنان، نقش سلبی و گاه، ایجابی داشته باشیم که خانم معین‌الاسلام اشاره‌ای به نقش زنان در عصر قبل از ظهور داشتند و این که از زن در ترویج فساد استفاده می‌شود.

نکته دوم، این است که در سده بیستم گفته شده که دو جنبش بزرگ تحقق یافته است؛ نخست پست مدرنیسم و دوم فمینیسم که جنبش دوم، یک بحث جنسیتی است و مبتنی بر این ادعا است. مدعیاتی دارد که در حوزه اجتماعی زنان باید به یک نوع تساوی حقوقی با مردان برسند. البته بدون در نظر گرفتن بحث مبنایی، که در این رابطه، تساوی حقوقی لازم است یا نه؛ این پرسش در ضمیر ناخودآگاه افراد متدین مخصوصاً خانم‌ها وجود دارد که آیا این یک نگاه ارزشی مبتنی بر جنیست است؟ و این که آیا این نگاه، زن سالارانه است یا مردسالارانه؟ پس مهم است که قبل از عصر ظهور به مسئله جنسیت زن یک اهتمام ویژه شود. به طوری که در روایات ما گفته شده است یک زن می‌تواند جامعه را به فساد بکشاند یا مقدمه پرورش جامعه باشد، پس این هم می‌تواند یک نکته کلیدی باشد که اهتمام به زن را مورد توجه قرار دهیم.

خانم صادقی: بنده ترجیح می‌دهم که نگاه کلی به مجموعه بحثی که لازم است مطرح شود و سؤالاتی که وجود دارد داشته باشم و بعد به صورت جزئی‌تر به بحث بپردازم. در ادامه صحبتی که خانم معین‌الاسلام فرمودند و در اشاره به مطلبی که آقای دکتر موسوی گفتند، طرح چند مقدمه، ضروری است. مقدمه اول، این که به نظر می‌رسد که موضوع مهدویت را نمی‌توان از هیچ زمانی جدا کرد و بگوییم که مهدویت، مخصوص زمان خاصی است یا در یک زمانی وجود نداشته یا ممکن است وجود نداشته باشد. بحث ظهور منجی و بحث مهدویت همواره مطرح بوده و

در طول تاریخ حرکت به سوی این نظام موعود وجود داشته و دارد. حداقل در دوران ما تفکیک‌پذیر نیست و از آن‌جا که حکومت اسلامی ما با شعار تشکیل تمدن اسلامی ایجاد شد و در حقیقت، زمینه‌ساز آن نظام مهدوی محسوب می‌شود، مباحث مهدویت مستقیماً به مباحث حکومت اسلامی ما گره می‌خورد و یک ارتباط کاملاً مستقیمی با هم دارند.

مقدمه دیگر این که زنان، بخش مهمی از نظام هستند؛ چه این نظام، الهی باشد یا الحادی. زنان بخش مهمی از نظام‌ها را تشکیل می‌دهند که اگر نادیده گرفته شوند یا توجه کمی به آنان شود، همان‌طور که استاد معین‌الاسلام اشاره کردند چالش‌های زیادی برای هر نظام ایجاد خواهد شد.

با توجه به این دو مقدمه می‌خواهم عرض کنم که موضوعات زنان، جدای از دیگر موضوعات نظام نیست. یعنی اگر بخواهیم مسئله زنان را در باب مهدویت یا هر موضوع دیگری بیان کنیم، در درجه اول باید ببینیم موضوعات اصلی نظام چیست تا بعد بتوان جایگاه یا کارکرد و آن نقش و سهم و تأثیری را که اقشار مختلف در نظام می‌توانند داشته باشند، مورد بررسی قرار داد و تفکیک کرد. اگر بخواهیم در مرحله اول بررسی موضوعات اصلی نظام، مبنایی و ریشه‌ای به موضوع نگاه کنیم و به تشکیل این حکومت اسلامی توجه داشته باشیم که ساخت یک جامعه مهدوی و حداقل زمینه‌سازی برای ظهور را در دستور کار خود دارد، می‌توان گفت در حال حاضر موضوع اصلی نظام موضوع درگیری حق با باطل است؛ محوری‌ترین موضوعی که اگر توجه داشته باشیم در فرمایشات مقام عظمای ولایت - چه حضرت امام علیه السلام و چه مقام معظم رهبری (حفظه الله) - در تمام فرمایشاتشان به نوعی و به شکل خاصی اشاره به این صحنه مبارزه و درگیری دارند و بر دشمن شناسی و هوشیاری در مقابل دشمن تأکید دارند و عبارات دیگری که در این زمینه به کار می‌برند. پس وقتی که موضوع اصلی نظام، مسئله درگیری و مبارزه با باطل است؛ پس حضور در

این مبارزه و درگیری و مؤثر بودن، نه متأثر بودن و فعال بودن و نه منفعل بودن در این درگیری برای پیروزی، وظیفه آحاد جامعه محسوب می‌شود که زن و مرد را شامل می‌شود. در حقیقت این یک وظیفه مشترکی است که اگر به عنوان اصلی‌ترین وظیفه آحاد جامعه اسلامی تعریف شود؛ این که حضور در درگیری و مبارزه حق با باطل برای اقامه کلمه توحید و برای برافراشته شدن و توسعه پرچم اسلام در جهان امری ضروری است، و بعد بر این اساس می‌شود وظایف را طبقه بندی و اولویت بندی کرد و کارکردهای خاصی را برای هر قشر، مشخص نمود.

در صورت پذیرفته شدن این سخن، بایستی به شناسایی لوازم این حضور پرداخت: مهم‌ترین لازمه این حضور، داشتن تقواست. در آیات و روایات اشاره می‌شود که ملاک برتری و ملاک امتیاز افراد در جامعه، داشتن تقواست. اما مهم است توجه داشته باشیم که تقوا یعنی چه و به چه کسانی با تقوا گفته می‌شود؟ آن چه از منابع دینی استنباط می‌شود، آن عهد و میثاقی که در بدو خلقت از انسان گرفته شده است، که آن عبارت است از عبودیت و پذیرش عبودیت الهی و از طرفی مجرای این عبادت و ولایت الهی هم تولی داشتن به ولایت اولیای الهی معرفی شده است. اولیای محوری، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند و در رأس آنها وجود مقدس نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. در حقیقت، باطن دین و دین داری، تولی به ولی الله است و براساس میزان تولی که افراد به ولی الهی دارند می‌شود آنها را ارزش‌گذاری کرد؛ پس هر چه میزان تولی بالا می‌رود درجه تقوا هم بالاتر می‌رود. در عصر غیبت به سر می‌بریم. امام عصر حاضر نیستند و طبیعتاً میزان تولی به نایب ایشان، ولی عصر عجل‌الله‌فرجه می‌تواند میزان معبودیت باشد.

برای حرکت در مسیر این مبارزه‌ای که مطرح شد، طبیعتاً مراحل و اصول خاصی را باید پشت سر گذاشت که مسیر حرکت و مراحل حرکت آن را مقام عظمای ولایت، معین کرده و اقشار را به واسطه آن مراحل که ترسیم شده است هدایت

می‌کنند. در عمل در یک نگاه کوتاه می‌بینیم که ابتدا ایجاد تحول سیاسی در نظام صورت پذیرفت که این تحول سیاسی به واسطه انقلاب اسلامی رخ داد. بلافاصله بعد از آن، امام علیه السلام بحث انقلاب فرهنگی و ضرورت ایجاد تحول فرهنگی را مطرح کردند و طبیعتاً بعد از آن هم لازم است که یک تحول اقتصادی رخ دهد. پس وقتی در شرایط غیبت، موضوع اول نظام، مسئله درگیری حق با باطل است و مرحله‌ای هم که الان در آن به سر می‌بریم مرحله ایجاد تحول فرهنگی در نظام است؛ پس وظیفه همه اقدار، حضور در روند ایجاد این تحول فرهنگی است؛ چه زن و چه مرد، بایستی در هر پست و منصب و شغل و سلیقه و... هر کاری که هستند فعالیت خود را به منظور تحقق انقلاب فرهنگی انجام دهند. وقتی که نوع وظیفه مشخص شود، می‌توان تفکیک کرد که زنان چگونه می‌توانند در سیر ایجاد این تحول و در این روند حضور و مشارکت داشته باشند و مردان چگونه؟ می‌دانید زنان مظهر عاطفه هستند و البته لازم است که این عاطفه خود را با عقلانیت، مدیریت کنند. عاطفه و عقلانیت دو بازویی هستند که در خلقت در کنار هم آفریده شده‌اند و نمی‌شود عاطفه، بی‌عقلانیت و عقلانیت، بی‌عاطفه باشد. قطعاً با چالش مواجه خواهد شد؛ یعنی در حقیقت زن باید عاطفه لازم برای این تحول را تأمین کند و مرد هم باید عقلانیت لازم را برای ایجاد این تحول تأمین کند. نمی‌شود عقلانیت صرف به کار برد، یعنی همان طور که اشاره می‌شود و خانم معین‌الاسلام هم اشاره فرمودند، نمی‌شود نقش زنان را کم‌رنگ کرد یا نادیده گرفت یا محدود نمود. در شرایط امروز نمی‌توان گفت خانم‌ها در خانه بنشینند، وظیفه آنها شوهر داری و تربیت فرزند است و آقایان، امور اجتماع و حضور در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرا را به عهده بگیرند. باید تفکیک، قائل شد که این تفکیک برای جامعه مطلوب است؛ برای نظام مطلوبی که با ظهور موعود علیه السلام محقق خواهد شد. ولی در جامعه کنونی در عصر غیبت قطعاً یک موقعیت‌هایی پیش می‌آید که دیگر از عقلانیت کاری بر نمی‌آید؛

یعنی فضاها آن قدر برای عقلانیت بسته می شود که فقط حضور عاطفه می تواند تحول ساز و حادثه ساز باشد.

دلیل دیگر هم می تواند بحث مکملیت عقلانیت و عاطفیت باشد، یعنی می خواهم بگویم که اگر حضور مستقیم عاطفه و مظاهر آن - که زنان هستند - را در روند توسعه پرچم توحید، حذف و یا کم رنگ کنیم، قطعاً نظام ما در روند توسعه خود با چالش هایی روبه رو خواهد شد و چه بسا به همان سمتی کشیده می شود که نظام غرب کشیده شده است. از آسیب های مهمی که نظام غرب دارد، این است که زنانگی در این نظام مرده است، حیات زنانگی صرفاً به این است که زن، شیء باشد؛ اگر به صورت شیء و کالا باشد حیات دارد والا موجودیت او زیر سؤال است؛ لذا تلاش جنبش فمینیسم در جهت کنار گذاشتن قدرت اصلی خود زن، یعنی عاطفه و احساسات، و خود را شبیه به مردان کردن است و حرکت به سوی عقلانیت صرف. ثمره آن هم این شده که خود فمینیست ها اشاره می کنند که تنها چیزی که فمینیست به ما داد این بود که زنانگی ما را گرفت. پس ما در جامعه مهدوی معتقدیم که زنان باید حضور مستقیم در توسعه نظام ولایت اجتماعی داشته باشند. لازم نیست حضور آنها به شکل حضور آقایان باشد، بلکه باید با همان قدرت عاطفه خودشان حضور داشته باشند؛ منتها یک اصل مهم وجود دارد که زنان ما باید یاد بگیرند که قدرت عاطفه خودشان را مدیریت و سازمان دهی کنند که متأسفانه این حلقه گم شده ای که الان وجود دارد این است که بانوان ما حضور در عرصه اجتماعی پیدا کردند؛ ولی از طرفی ساختارهای اجتماعی مناسب برای حضور زنان وجود ندارد و از طرف دیگر آنها قدرت مدیریت عاطفه خودشان را هنوز به دست نیاورده اند و به سبب همین، غالباً نتوانستند سطح فکری خودشان را از سطح مسائل خرد به سطح مسائل توسعه ای ارتقا و رشد دهند.

دکتر بهروز لک: من هم دیدگاهی دارم که عرض می کنم. یکی از بحث هایی

که می‌توانیم درباره زن و مهدویت در عصر غیبت داشته باشیم، توجه به این نکته است که نظام اعتقادی، همواره به صورت شبکه‌ای و نظام است و نمی‌شود بخشی از آن را گرفت و بخش دیگر را نادیده گرفت. در واقع، آن چیزی که می‌خواهم بگویم، این است که زن و مهدویت را اگر مستقلاً هم مورد توجه قرار بدهیم، نمی‌توانیم آن را در خلا مورد بررسی قرار دهیم. زن، بخشی از نظام خلقت و اجتماع انسانی است، مرد هم بخشی از این نظام است و یک رابطه تعاملی در بین آنها وجود دارد و اگر خداوند در قرآن می‌فرماید که «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» به این معناست که انسان‌ها همه باید به سوی آن حیات، قدم بردارند و حرکت کنند؛ آن حیات هم در واقع اجابت خدا است. اگر این کانون نظام توحیدی ماست، هر کدام از زن و مرد به عنوان عناصر اجتماعی باید جایگاهی پیدا کنند که در تعامل با یک‌دیگر باشند. پس اگر ما مسئله زن و مهدویت را مورد مطالعه قرار بدهیم باید به این توجه کنیم که در این امر، زن و مرد جدای از هم نیستند و یک نوع تعامل و مکملیت نسبت به هم دارند.

اگر می‌بینیم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وظایفی را برای حضرت فاطمه علیها السلام معین می‌کند و وظایفی را برای حضرت علی علیه السلام، اما هنگامی که نوبت دفاع از ولایت می‌رسد، حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد حاضر می‌شود و از حریم ولایت دفاع می‌کنند. پس نکته اول این است که باید نقش زن و مرد در زمینه مهدویت، مکمل یک‌دیگر باشد. حتی اگر آنها وظایف مستقلی در این زمینه دارند، اما در مجموع، این وظایف و نقش‌ها مکمل یک‌دیگر است.

نکته دیگر، وجود همین نقش‌های اختصاصی زن و مرد در زمینه مهدویت است. لذا باید در بحث خود بر این محور تمرکز بکنیم. باید نقش‌های مختلف زنان را در ارتباط با آموزه مهدویت اسلامی، شناسایی و بررسی کنیم. این نقش‌ها خود در ابعاد و عرصه‌های مختلفی مطرح است. در زندگی فردی، مباحث خاصی مطرح است. در

زندگی اجتماعی، مباحث دیگر. حتی در زندگی خانوادگی نیز می‌توان نقش‌ها و وظایف خاصی را شناسایی کرد. هم چنین می‌توان این نقش‌ها و وظایف خاص زن را از منظر زمانی و مقاطع مختلف تاریخی بررسی کرد. زن مسلمان، نقش‌ها و وظایف خاصی در عصر حضور معصومین علیهم‌السلام داشته است؛ وظایفی در فرایند تولد حضرت مهدی علیه‌السلام، وظایفی در عصر غیبت - چه غیبت صغری و چه غیبت کبری - و وظایف و نقشهای خاصی را برای زن مسلمان می‌توانیم در عصر ظهور و فرایند انقلاب و آرمان‌شهر مهدوی شناسایی کنیم. هر چند هر کدام از این ابعاد مهم بوده و نیازمند بحث و گفت‌وگو است، اما به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت جامعه ما که در عصر غیبت امام زمان خویش به سر می‌برد، مقتضی است که اولیوی به این بحث بدهیم و وظایف و نقش‌های زنان را در عصر غیبت و زمان کنونی بررسی کنیم. طبعاً این‌جا مباحث گسترده‌ای وجود دارد که باید تلاش کنیم آنها را در حد امکان مطرح نماییم.

نکته سوم این است که فکر می‌کنم که نقش‌های ویژه اساسی زن را در مهدویت در سه عرصه مختلف و در واقع در سه برش مورد توجه قرار بدهیم. البته شاید در برخی از آنها هنوز تفکیک جنسیتی مشکل باشد. اولین مسئله، نقش فردی زن مسلمان است. در عرصه فردی لازم است که تمامی انسان‌ها براساس فرمایش حضرت علی علیه‌السلام، «رحم الله امرأً عرف قدره»؛ خودشناسی کنند و بفهمند که چه کسی هستند و چه کار باید بکنند؟ البته این وظیفه مشترک زن و مرد است، اما هر کدام از زن و مرد باید خود را در موقعیت خاص خویش مورد توجه قرار بدهند. عرصه دوم، عرصه خانواده است. وقتی زن و مرد خودشان را شناختند و در تعامل با یک‌دیگر زندگی مشترک را شروع کردند، نقش خانوادگی آنها شکل می‌گیرد. زن و مرد در این‌جا وظایف خاصی را برعهده می‌گیرند. طبیعت و جهان خلقت بدون این‌که انتخاب بکنیم، وظایفی را بر عهده زن و مرد قرار داده است. تفاوت در نوع اندام

خلقت، در قوای وجودی طبیعی است که تفاوت‌هایی را در نقش‌ها برای ما ایجاد نمایند. این تفاوت برای خودش یک سری وظایفی را هم برای ما ایجاد می‌کند که اختصاصی می‌شود. من فکر می‌کنم وظایف زن و مرد را در ارتباط با مباحث مهدویت از این منظر خانوادگی هم باید مورد توجه قرار بدهیم.

یک سری عرصه‌هایی وجود دارد که عرصه اجتماعی هستند. مثلاً درست است که زن در خانواده متولی پرورش اصلی کودک است؛ اما مرد هم آن‌جا مکمل است. هرچند زن مباشرت بیشتری دارد، مرد هم این‌جا نقشش را ایفا می‌کند، اما در عرصه اجتماعی می‌توانیم این نقش‌ها را جدی‌تر بگیریم و بالفرض اگر تنها فرزند خودمان را و فرزندان جامعه را در واقع تربیت می‌کنیم، زن‌ها و مرد‌ها هر یک وظیفه‌ای دارند که فکر می‌کنم این سه تا برش را اگر به صورت مجزا از هم در رابطه با مهدویت مد نظر قرار بدهیم می‌توانیم نقش‌های متمایز زن و مرد را در عرصه مطالعات زن و مهدویت با توجه به نقشی که در رابطه با غیبت خواهیم داشت، شناسایی بکنیم.

خوب با توجه به این که کلیاتی از مباحث مطرح شد و بحث را می‌توانیم پیش ببریم، بهتر است که پس از سؤال اول با تمرکزی، سؤال دوم و یا سوم را یک‌جا بیان کنید و در این‌جا هم تمایز میان زن و مرد را بگویید و هم آن وظایف خاصی که هر یک ایفا می‌کنند بیان کنید.

خانم معین الاسلام: فکر می‌کنم اگر سؤال سوم مطرح بشود و تمایزش هم مشخص بشود و بعد سؤال دوم، که وظایف زنان در مباحث مهدویت در شرایط کنونی مشخص خواهد شد. حال در تکمیل مباحث گذشته که مطرح شد ضروری است به این نکته اشاره شود که در تفکر مهدویت، نگاه به زن، همان نگاهی است که در سیره علوی و نبوی وجود داشته؛ یعنی هیچ تفاوتی نمی‌کند. چون در روایات ما آمده که حضرت مهدی علیه السلام در واقع سیره نبوی را احیا و

ادامه خواهند داد و تحقق بخش اهداف رسول خدا ﷺ خواهند بود. در جاهلیت اول در زمان جاهلیت قبل از بعثت حضرت رسول اکرم ﷺ انسانیت را از زن گرفتند و در جاهلیت مدرن همان طور که خانم صادقی اشاره کردند، زن بودن را از زن می‌گیرند؛ ولی در تفکر نبوی و مهدوی در واقع هم حفظ انسانیت زن مطرح است و هم حفظ زن بودن زن مطرح است. زن به عنوان یک انسان در جامعه مهدوی و هم‌چنین زن به عنوان یک زن در جامعه مهدوی، وظایفی را عهده‌دار می‌باشد که برخی از آنها با مردان مشترک می‌باشد و اما به عنوان یک زن عضو جامعه مهدوی، مسئولیت‌ها و رسالت‌های خاص خودش را هم دارد، اما اگر بخواهیم بیشتر روی آن وظایف خاص زنان متمرکز بشویم باید ببینیم که چه جایگاهی در نظام تربیتی اسلام برای زن قائل شده‌اند. مسئولیت انسان‌سازی، بهترین رسالت زن در نظام تربیتی اسلام است. همان نقشی که معمار انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام هم به زیبایی به آن اشاره نموده‌اند که همان طور که قرآن انسان‌ساز است. زن هم انسان‌ساز است؛ اصیل‌ترین نقشی را که زن در جامعه کنونی می‌تواند به عنوان یک زن داشته باشد در این جامعه گویی پرداختن به همین نقش است، یعنی نقش انسان‌سازی است. اکنون، عمده‌ترین خلأیی که در جامعه کنونی داریم این است که دچار یک نوع انفعال در مسئله انسان‌سازی شدیم، یعنی در عرصه تربیت فعالانه برخورد نمی‌کنیم. در مقابل کلیه فعالیت‌ها و فعل و انفعالاتی که از طرف بیگانه صورت می‌گیرد منفعل شده‌ایم. ما باید این نقش فعال را که نقش انسان‌سازی است را اصالت بدهیم. آیت الله جوادی آملی در یکی از مباحث‌شان مطرح می‌کردند که اگر زن، اصالت را به شغل مادری و همسری ندهد از صراط مستقیم خارج است؛ یعنی برخلاف دیدگاه فمینیستی که مادری را و همسری را یک نوع بردگی می‌بینند و یک شغل منفعل می‌دانند، در نظام مهدوی، مادری و همسری یک شغل کاملاً اصیل است. عمده‌ترین نقشی که

زن می‌تواند ایفا کند این نقش است؛ نقش انسان سازی و تأمین نیروی انسانی جامعه مه‌دوی که این می‌تواند بزرگ‌ترین خدمت فرهنگی به یک جامعه مه‌دوی در عصر حاضر باشد. مسئله بعد نقشی است که زن به عنوان نیمی از پیکره جامعه منتظر و تأثیرگذار در نیمی دیگر از جامعه می‌تواند داشته باشد. پس در واقع، زن می‌تواند با هنرنمایی، تمامی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و می‌تواند در احیای فرهنگ مه‌دوی در جامعه یا تخریب آن به عنوان یک عنصر فعال و مؤثر نقش آفرینی نماید. حضرت امام می‌گویند: زن، نقش رهبری را دارد، نقش پیش تازی را دارد. نهایتاً زن می‌تواند در عرصه فرهنگ جامعه ما بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ لذا این نقش فرهنگ سازی زنان در عرصه‌های فرهنگی در جامعه کنونی را نباید فراموش کنیم؛ چرا که زنان با توجه به ویژگی‌های خاص خودشان، وقتی به عنوان یک معلم، یک مربی و یک عنصر فرهنگی در جامعه نقش آفرینی می‌کنند، تحول آفرین می‌شوند و می‌توانند یک جامعه را به سوی تعالی و رشد و یا یک جامعه را به سوی انحطاط ببرند. زنان، آمیزه‌ای از عقل و احساس‌اند که اگر از این دو ابزار به خوبی بهره‌جویند، می‌توانند حرکت‌های خوبی در جامعه ایجاد نمایند. حالا البته به این شدت که سرکارخانم صادقی گفتند که مردان، عقلانیت محض‌اند و زنان عواطف محض هستند را به این شکل نمی‌پذیریم. حتی اگر بخواهیم زن را به عنوان یک انسان بپذیریم، یک انسان هم مظهر عقلانیت و هم مظهر عواطف است. نمی‌تواند این دو تا را نداشته باشد.

خانم صادقی: محض بودن را من عرض نکردم؛ بلکه مظهر عاطفه هستند.

خانم معین الاسلام: اگر زن را به عنوان یک انسان بپذیریم، یک انسان کامل هم مظهر عقلانیت است و هم مظهر عواطف.

خانم صادقی: هر دو در وجود هر دو جنس است، ولی آنچه را که می‌بینیم و علما نیز می‌فرمایند: زن مظهر جمال است و مرد مظهر جلال. این به این معنا نیست

که در زن جلال نیست و در مرد جمال نیست. ضمن این که وقتی صحبت از مدیریت عاطفه توسط خود زنان می‌شود به این معناست که لازم است عاطفه شان را با عقلانیت خود، سازمان‌دهی کنند و در خدمت مسائل مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی قرار دهند.

خانم معین الاسلام: بنده از سوء برداشتم عذر می‌خواهم؛ ولی به هر حال، فکر می‌کنم که یک زن هم با عقلانیت، یعنی با کمال عقلانی خود و هم با بهره‌گیری از عواطف سرشار انسانی می‌تواند یک تأثیر پایدارتر و ماندگارتری در جامعه داشته باشد. به همین جهت است که مهاجمان فرهنگی ما برای تخریب فرهنگی جامعه از زنان استفاده می‌کنند؛ به سبب این که زنان، نقش خیلی جدی در مسئله فرهنگ سازی دارند؛ لذا عمده‌ترین وظایفی که زنان بعد از مسئله پرورش نیروی انسانی و تأمین نیروی انسانی در شرایط فعلی دارند، تأثیر گذاری بسیار بالای آنهاست. زن می‌تواند در عرصه فرهنگ، اخلاق، معنویت و سیاست که از عناصر اصلی تمدن است، تأثیرگذار باشد. به نظر بنده، ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ عاشورا با فرهنگ مهدویت وجود دارد. می‌بینیم که امام حسین علیه السلام بعد از این که مورد سؤال قرار می‌گیرد که چرا زنان را با خودتان می‌برید، جواب می‌دهند که خداوند اراده کردند که این زنان با ما باشند، این اراده الهی در دخیل کردن زنان در تکمیل و به هر حال به سامان رساندن جریان عاشورا نشان دهنده آن نقش بسیار حساس و کلیدی و محوری است که زنان می‌توانند داشته باشند و گویا بیان‌گر این مسئله است که اگر زنان در جریان عاشورا نباشند نهایتاً تمامی اهداف بلند مکتب عاشورا تحقق پیدا نخواهد کرد. در جامعه کنونی ما زنان می‌توانند خیلی مؤثر باشند و نقش جدی در مباحث مهدویت داشته باشند و برای این که بتوانند رسالت‌های خودشان را هم در زمینه تأمین نیروی انسانی به عنوان مادری و همسری و هم به عنوان یک انسان در جامعه مهدوی ایفا بکنند، چند وظیفه را

باید انجام بدهند؛ یکی از مهم‌ترین وظایف‌شان این است که همان‌طور که هر انسانی در جامعه مهدوی می‌خواهد ثبات قدم در دین داشته باشد و دین‌مداری خودش را بتواند در این عرصه حفظ بکند باید مهدی‌شناسی کند؛ یعنی شناخت نسبت به امام زمان علیه السلام در دعای معروف «اللهم عرفنی حجتک...» تا آن‌جا که می‌فرمایند که اگر حجت خودت را به ما نشانسانی؛ از دین خودم، من گمراه می‌شوم. واقعاً یک واقعیتی است که ما بدون شناخت امام زمان علیه السلام در این عرصه نمی‌توانیم دین خودمان را حفظ بکنیم؛ لذا یکی از مهم‌ترین وظایف زنان و رسالت‌های آنان منتظرپروری است و برای انجام این رسالت باید امام زمان علیه السلام را خوب بشناسند تا بتوانند فرهنگ مهدوی را و عشق به حضرت را در نهاد فرزندان خود نهادینه کنند و اگر قرار است به عنوان یک انسان در جامعه مهدوی ایفای نقش کنند شناخت نسبت به امام زمان علیه السلام یکی از عمده‌ترین وظایف زنان است که البته من بحث دیگری را در این رابطه داشتم که از آن فاکتور می‌گیرم.

بحث دیگری که زنان در جامعه فعلی، باید به عنوان یک وظیفه انجام بدهند، افزایش خردورزی و خردمندی زنان است؛ همان‌طور که حضرت علی علیه السلام فرمودند، در عرصه عقل، زنان از نوعی نقصان عقلی به سبب غلبه عواطف برخوردارند که باید این نقصان جبران گردد و به کمال عقلی برسند. آن‌جایی که مسئله مشورت زنان با حضرت مطرح می‌شود، حضرت علی علیه السلام می‌گویند: «با زنان مشورت نکنید مگر این‌که مطمئن باشید که اینها به آن کمال عقلانی رسیده‌اند»، فکر می‌کنم زنان باید به هر حال در ارتباط با افزایش خردمندی و آن تکامل عقلانی خودشان بیشتر کار کنند؛ مخصوصاً در عرصه فعلی که برای تثبیت دین‌داری و دین‌مداری و انجام رسالت دینی، مسئله عقلانیت از جایگاه مهمی برخوردار است. مسئله دیگر، فهم تحول جهانی است؛ یعنی خانم‌ها هم به عنوان یک مادر و هم به عنوان یک همسر و هم به عنوان یک انسان در جامعه مهدوی

واقعاً باید تحولات جهانی را منتها در چهارچوب اندیشه الهی کاملاً خوب بشناسند، یعنی زمان شناس باشند. همان طور که حضرت علی علیه السلام فرمودند که «هر کس که زمان را خوب بشناسد خودش را آماده می‌کند». واقعاً زنان باید یک آمادگی در خودشان برای هم منتظرپروری و هم انجام رسالت‌های مهدوی، ایجاد کنند و این آمادگی ایجاد نمی‌شود، الا این که ما فهم خوبی نسبت به تحولات جهانی داشته باشیم؛ منتها یک فهم همراه با درد؛ البته اگر فهم خوبی نسبت به تحولات جهانی داشته باشیم درد هم به دنبال این فهم خواهد بود. زنان نمی‌توانند خودشان را از برنامه‌هایی که در ارتباط با ظهور و افول تمدن‌ها و تلاش‌هایی که الان صورت می‌گیرد خودشان را منفک از این قضایا بکنند. در جریان عاشورا این مسئله را مکرر شنیدیم که حضرت زینب علیها السلام در حادثه عاشورا ضمن تأمین نیازهای عاطفی اطرافیان و انجام رسالت‌های مخصوص خود دقیقاً در جریان فعل و انفعالات دشمن و حالات یاران امام حسین علیه السلام بودند و حتی به موقع سعی می‌کردند با دقت نظر در احوالات یاران امام حسین علیه السلام به حضرت، ضرورت اعتماد پیدا کردن به میزان وفاداری یاران را گوشزد کنند و به هر حال، ایشان در طول جریان عاشورا - چه قبل از عاشورا و چه در زمان اسارت - با نگاه دقیق و ژرف بین خود، کاملاً متوجه مسائل پیرامونی خود و تحرکات دشمن بودند و با درایت، برنامه‌های دشمن را خنثی می‌کردند و حتی از فرصت‌ها بیشترین بهره را می‌بردند. الان بحث جدیدی داریم، بحث ناتوی فرهنگی که این همه مقام معظم رهبری، آن را مطرح می‌کنند؛ اگر زن به عنوان یک مربی در جامعه مهدوی، ناتوی فرهنگی را شناسد و اگر ابزار ناتوی فرهنگی را شناسد و اگر راهکارها و راهبردهای مقابله با ناتوی فرهنگی را شناسد، واقعاً نمی‌تواند در منتظرپروری موفق باشد و نمی‌تواند در ایفای رسالت‌های خودش موفق باشد؛ لذا این بحث آگاهی به زمان و تهدیدات زمان و فرصت‌هایی که الان است

آگاهی‌های جدی است که واقعاً باید زنان ما این آگاهی را پیدا کنند؛ هر چه این آگاهی‌ها بیشتر بشود حساسیت‌شان نسبت به مسئولیت‌ها و رسالت‌هایشان بیشتر می‌شود و دقت نظرهایشان نسبت به مسئولیت‌هایشان بیشتر می‌شود...

یکی از مسائل آسیب‌زا در حوزه خانواده و استحاله فرهنگی زنان در جامعه ما رشد افکار فمینیستی در بین زنان، بالاخص دختران جوان است. باید آن مدینه فاضله‌ای که دختران در ذهن خودشان در جایگاه زن در مکتب فمینیستی ساخته‌اند را با تبلیغات اصولی و صحیح خنثی نماییم. جا دارد که یک نقد جدی پیرامون مسئله فمینیست از منظر زنان آمریکا صورت پذیرد. در حال حاضر منابع بسیار خوبی در دسترس است که نمایان‌گر اعلام عدم رضایت و اعتراض شدید زنان فرهیخته غرب نسبت به آثار سوء تفکرات فمینیستی در جامعه است. خانم دایان پاسنو نویسنده کتاب *فمینیسم راز زنانگی یا اشتباه مدیر مؤسسه مطالعات خانواده در آمریکا* می‌نویسد: من به آن‌چه فمینیست‌ها ارائه می‌دهند اعتراض دارم. سعادت و شادمانی حقیقی انسان جز از طریق ارتباط با خداوند میسر نیست. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. اگر خدا را بخوانید، به شما پاسخ خواهد داد... و در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد: اگر برای کسب شأن به نهضت فمینیسم متوسل شوید جز ناامیدی بهره‌ای دیگر نخواهید برد. او بر این باور است که فمینیسم، ارزش‌های اخلاقی ما را از بین برده است.

فمینیسم، زنان ما را مخدوش کرده است، هم‌جنس‌گرایی را افزایش داده و به شدت تحت تأثیر سلطه آن قرار گرفته است. و نهایتاً فمینیسم، نهاد خانه و خانواده را تضعیف کرده است.

دکتر بهروز لک: متشکر. پیشنهاد من این است که وظائف و مسئولیت‌ها با تمرکز بر نقش زنان نسبت به مادری، محوری و کنش‌گر اجتماعی‌اش را مورد بحث قرار دهیم.

دکتر موسوی: به نظر بنده باید وضعیت زنان را از دو جنبه سلبی و ایجابی بررسی کنیم و این که آسیب‌ها و یا کارکردهای مثبتی از ناحیه زن، متوجه جامعه می‌گردد. هر کدام از اینها دارای یک تقسیم دوگانه است: قبل از ظهور و عصر ظهور. اولین قسمتی را که عرض می‌کنم، آسیب‌شناسی زنان قبل از عصر ظهور است. برای مثال، بعد از عصر رنسانس یا عصر مدرن، ویژگی‌های عصر مدرن موجب شد که زنان نتوانند نقشی را که ادیان به صورت وظایف بر دوش آنان گذاشته‌اند ایفا کنند؛ به طوری که فمینیسم نتیجه منطقی عصر مدرن است. از جمله کسانی که به آسیب‌شناسی عصر مدرن - فراتر از جنسیت - پرداخت، گنون است. وی در زمانی که در کشورهایی مثل ایران، افراد زیادی از روشن‌فکران، جزء طرف‌داران تکنولوژی و مدرنیته بودند به نقد و آسیب‌شناسی مدرنیته پرداخت؛ به طوری که در زمان وی، در هفتاد سال پیش در فرانسه کسانی که اسم رنه گنون را می‌بردند از دانشگاه اخراج می‌کردند. وی در آثار خود نکته‌ای را بیان می‌کند که شاید بی‌ارتباط با بحث ما درباره زنان نباشد. وی معتقد است، عصر مدرن، ویژگی‌هایی دارد که به تعبیر ما باعث فطرت‌گریزی زنان شده است؛ ویژگی‌هایی مثل اصالت‌فردگرایی یا انسان‌مداری، علم‌گرایی افراطی و عقل‌گرایی افراطی. وی می‌گوید، درست است که انسان به تکنولوژی و علم دست یافت؛ ولی هویت خود را از دست داد. از جمله این که یکی از ویژگی‌های آسیب‌شناسانه در عصر ما این است که زنان از فطرت خویش که همان زن بودن است، خروج پیدا کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم رابطه زن را با دین و مهدویت در پیش از عصر ظهور، بیان کنیم، باید عرض کنیم که زنان در عصر ما به عنوان مصداق قبل از ظهور از آن فطرت زن بودن خارج شده‌اند هر چند فمینیسم، امروزه ادعا می‌کند که ما به تساوی حقوق رسیدیم؛ اما امروزه هم همان جاهلیت پیشین را به گونه‌هایی دیگر شاهد هستیم. این که در روایات گفته شده است که از علائم آخرالزمان این است که زنان بر مردان مسلط

می‌شوند یا قبله مردانند، در واقع نوعی آسیب‌شناسی زنان در متون روایی است.

دکتر بهروز لک: البته مراد از سلبی، یعنی نقش‌های منفی زن.

دکتر موسوی: جنبه سلبی ویژگی‌های زنان، یعنی این که موقعیت زنان را از جنبه آسیب‌شناسی بررسی کنیم که بعضی از روایات درباره عصر پیش از ظهور، معطوف به وضعیت زنان در این دوره است که شاید این دسته از روایات در آسیب‌شناسی زنان در قبل از ظهور، قابل توجه باشد.

دکتر بهروز لک: خانم صادقی، شما یک تفکیکی بین عقلانیت و عاطفه کرده اید که در جای خودش روشن است و روشن شد که هیچ کدام یک از اینها محض نیستند. بلکه دارای شدت و ضعف هستند. حال به هر تقسیمی که خود صلاح می‌دانید بگویید که منظور از این نقش‌ها چیست؟ یعنی اگر نقش را به معنای ایفای یک سری عملکردها و کنش‌ها و کارکردها بگیریم، زن به صورت ایجابی در جامعه مهدوی با توجه به فاکتور عقلانیت به صورت خاص چه چیزهایی دارد که مال مرد نیست؟

خانم صادقی: بله، البته جهت تکمیل بحث درباره این که امروز وظایف زنان چیست، لازم است ذکر شود این که در نظام دینی ما معمولاً این گونه مطرح می‌کنند که وظیفه زن، انسان‌سازی است و در حقیقت، وظیفه زن را فردسازی مطرح می‌کنند و این در جای خودش صحیح است و نقش اساسی به حساب می‌آید. منتها اکنون بحث را نسبت به جامعه کنونی مطرح می‌کنیم. جامعه مهدوی کنونی و جامعه جهانی کنونی. یک وقت نسبت به آرمان‌ها حرف می‌زنیم، یک وقت نسبت به وضع موجود. اگر در وضعیت موجود به دنیا نگاه کنیم که انسان‌سازی چگونه صورت می‌گیرد، آیا انسان‌سازی در محیط خانواده صورت می‌گیرد یا در محیط‌های فرهنگی، توسط مساجد، دانشگاه‌ها، مدارس و رسانه‌ها و... صورت می‌گیرد؟ چگونه صورت می‌گیرد؟ فرهنگ‌سازی امروزه در دنیا توسط چه کسانی صورت

می پذیرد؟ اگر نگاه واقعی داشته باشیم، می بینیم که امروزه در دنیا وضعیت به گونه‌ای است که این ساختارهای اجتماعی هستند که انسان‌ها را تربیت می‌کنند و می‌سازند. این یک واقعیت است چه بخواهیم و چه نخواهیم. شما اطراف خودمان را ببینید. پدر و مادر، متدین و مهدوی؛ ولی فرزند جور دیگری است چرا؟! آیا این پدر و مادر مؤمن نبودند؟ خیر، امروزه در دنیا به گونه‌ای است که وقتی یک ساختار اجتماعی حاکم می‌شود، سیستم اداره یک جامعه، این یک اخلاق و یک فرهنگ خاص را بر جامعه حاکم می‌کند و حرکت آحاد جامعه را براساس آن شکل می‌دهد.

اصل در نظام سرمایه داری تلذذ است و رفاه و رسیدن به مادیات بیشتر؛ لذا این فرهنگ، حرص، حسد، تنوع گرایی، تجمل گرایی و غیره را هم به همراه خود دارد. وقتی الگوی اقتصادی سرمایه داری را در یک جامعه پیاده می‌کنید حتی اگر جامعه، اسلامی باشد آن اقتصاد سرمایه داری، فرهنگ خود را هم بر جامعه حاکم می‌کند.

دکتر بهروز لک: آیا این بحث‌ها به ساختار گرایی و جبر اجتماعی منتهی نمی‌شود؟ چون ما در اسلام قبول نداریم که هر چیزی به جبر منتهی شود و ساختار جامعه باشد.

خانم صادقی: خیر، من عرضم این است که امروزه می‌بینیم جامعه سهم مؤثر بسیاری در تربیت افراد و حتی شکل‌گیری، پایداری یا عدم پایداری خانواده‌ها دارد و به این معنا نیست که خانواده نقش ندارد، بلکه سهم تأثیر آن نسبت به این بیشتر شده است؛ لذا با توجه به این واقعیت باید حرف زد نه شعارها و آرمان‌هایی که فعلاً دست نیافتنی است. وقتی که جامعه، حرف اول را در فرهنگ سازی می‌زند شاید در چنین شرایطی وظیفه اصلی، جامعه سازی باشد؛ یعنی حرکت زنان و مردان ما در نظام مهدوی باید به سوی جامعه سازی و ایجاد انقلاب فرهنگی باشد؛ برای ساخت آن مدل‌ها و برنامه‌های اجتماعی و سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی که کاملاً اسلامی باشد.

زن باید وظیفه اصلی خود را اقامهٔ پرچم توحید بداند. برای این منظور نیاز به جامعه سازی است و نیاز به تولید الگوهای دینی و اسلامی در جامعه مهدوی است. اگر زن این دو اولویت را در نظر داشته باشد همه کارها و برنامه‌های خود را براساس این هدف برنامه ریزی می‌کند. وقتی که هدف زن اقامه پرچم توحید باشد، یعنی سطح فکر خود را از اهداف ریز حیات مادی و خرد رها کرده و به سطح کلان و توسعه رسانده و اصلی‌ترین موضوع فکر او موضوعات توسعه نظام باشد در شوهرداری، در تربیت فرزند، در درس خواندن و ... لجستیک و پشتیبان مقام ولایت بوده و تولی به او داشته باشد؛ وقتی این‌گونه باشد اصلاً شکل زندگی متفاوت می‌شود. مصداق آن را هم در زمان جنگ دیدیم. زمانی بود که زنان ما همه برنامه‌ها و حرکات‌شان در مسیر جریان جنگ شکل می‌گرفت، حتی اموال و زینت آلات خودشان را بر محور لجستیک جبهه حق مصرف می‌کردند. منتها باید این شکل تفکر و زندگی را نهادینه کنیم و آن را به شکل مدل به بانوان امروز عرضه نماییم. زن مسلمان ایرانی به جای این که به مسائل مصرفی و تجملی و ... فکر کند باید تفکر کند که چه سهمی در بالا بردن قدرت اسلام و نظام اسلامی در جهان می‌تواند داشته باشد. هر خانم در هر موقعیتی که است چگونه می‌تواند به توسعه نفوذ نظام اسلامی کمک نماید و ... لازم است زنان ما قدرت بزرگ خدادادی خود را بشناسند و سعی کنند این قدرت را با عقلانیت، مدیریت کرده و در جهت لجستیک نظام مهدوی به کار بندند.

حضرت زهرا علیها السلام با شناخت دقیق از موقعیت زمان و مکان در هر شرایطی، متناسب با آن شرایط و با قدرت زنانگی خود به دفاع از اسلام و ولایت می‌پردازند. گاهی با اشک‌شان غوغا و حادثه سازی می‌کنند، گاهی در جبهه‌ها، گاهی در راه مسجد، گاهی پشت در خانهٔ انصار و وقتی هم در پشت در خانهٔ خود ... قدرت عاطفه این است. یک واقعیت‌هایی است که در خلقت قرار داده شده؛ منتها باید

برای آنها ساختار سازی کنیم تا از اینها استفاده صحیح شود. نه این که به همان شکلی که الآن وجود دارد که ساختارهای مردانه است و از زنان هم خواسته می شود در همین ساختارها حضور پیدا می کنند؛ لذا چالش های زیادی برای آنها پیدا می شود. به طور خلاصه، زنان در درجه اول قدرت عاطفه خود را بشناسند و سیاست یا تدبیر به خرج دادن این عاطفه را به دست بیاورند و آن را در هر موضوعی خرج نکنند. زن، مظهر هنر و سیاست است. فقط کافی است که چگونگی بهره گیری مفید و مؤثر از این توانایی های خود را بیاموزد. بتواند سیاست به کار بردن عاطفه را داشته باشد که هم بر مرد و هم بر فرزندش اثر داشته باشد و هم در ساختارهای اجتماعی حضور فعال داشته باشد. در این صورت ما شاهد فروپاشی خانواده ها به دلیل ناآشنایی با تدبیر منزل نخواهیم بود. این مطلب را بدین جهت گفتم که در موضوع عوامل فروپاشی خانواده گفته می شود که اصلی ترین عوامل دو چیز است: اول، اعتیاد همسر و دوم، ناآشنایی با عملکرد در خانواده (تدبیر منزل یا چگونگی رفتار و برخورد با همسر در منزل) که خیلی نکته مهمی است که باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد. زنان باید بدانند که سیاست به کار بردن عاطفه چیست. خرج کردن عاطفه باید کجا باشد که نیاز به برنامه ریزی و سیاست دهی خاصی دارد که خود زنان باید در این راه گام بردارند، البته بحث های امام شناسی، خودشناسی، مدیریت عواطف، فرهنگ سازی نسبت به مهدویت، ایجاد تحول فکری در خانواده و اجتماع و این که زنان یاد بگیرند که استقلال فکری داشته باشند و... نیز از موضوعات مهم در روند مهدوی سازی جامعه است.

دکتر بهروز لک: نکته ای راجع به گفته های خانم صادقی عرض کنم که مد نظر ایشان بوده است و برای فهم بهتر مطالب ایشان یکی از اندیشوران غربی - که اشکالی بر جوامع اسلامی وارد کرده - می گوید: به اینها می گوئیم بالاخره باید برای جامعه سازی، افراد لایق را تربیت کنیم و افراد لایق در جامعه سالم، محقق می شوند. ایشان

اشکال می‌کند که ما می‌گوییم این‌طور نیست. اگر این‌طور باشد که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند جامعه سالم را بسازد. فقط می‌خواستم عرض کنم که آن چیزی که از فرمایشات خانم صادقی فهمیده می‌شود این است که اگر ایشان به ساختارهای اجتماعی توجه می‌کند، یعنی افرادی را که ما می‌خواهیم بسازیم، در راستای همین جامعه‌سازی ما باید کلیت جامعه را بسازیم، اما کلیت افراد همین تک تک افراد است و لذا همین فرد را هم باید با نگاه اجتماعی باشد.

خانم صادقی: بحث جامعه و فرد و رابطه آنها با یک‌دیگر، بحث مستقلی است که باید در جای خود به آن پرداخت. منظور من این است که فرد و جامعه نسبت به هم رابطه تقوومی دارند. یعنی نمی‌شود گفت که فرد، اصل است یا جامعه. هر دو تأثیر و تأثیری از هم دارند؛ منتها فرض این است که در جامعه کنونی ما افراد و عقول به یک حدی از رشد رسیده‌اند و لازم است که نرم افزارهای اجتماعی آن تولید شود.

دکتر بهروز لک: تلقی ام این است که اگر بخواهیم وظیفه زن را در امر ایجاد جامعه مهدوی مطرح کنیم باید از بحث هویت‌سازی مطرح کنیم.

خانم صادقی از منظر جامعه‌سازی مطرح کرده‌اند. خانم معین‌الاسلام از منظر این که انسان‌سازی را برجسته کرده‌اند. دکتر موسوی هم از منظر عوامل سلبی بررسی کرده‌اند. من فکر می‌کنم یک منظر دیگر هویت‌سازی که در واقع از فردسازی شروع می‌شود تا به جامعه‌سازی می‌رسد. اگر بخواهیم هویت را معنا کنیم، هویت عبارت است از چیستی انسان و این که چه کسی هست و چه کسی نیست. در جامعه شناسی هویت عبارت است از وجه همسانی انسان‌ها در حکومت اسلامی. مسلمانان خود را پیرو وحی پیامبر معرفی می‌کردند. و این عشق و علاقه آن‌قدر بود که یثرب، تعبیر به مدینه النبی و شهر پیامبر شد، اما اگر چه ما در جامعه توحیدی زندگی می‌کنیم، ولی این هویت‌سازی در زندگی ما با یک نمادهایی ساخته می‌شوند. نقش پیامبر در مدینه، اساسی و بنیان‌گذار بود. نقش امام هم پس از پیامبر تأثیر گذار است

که «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و دعای «اللهم عرفني نفسك» که خانم معین الاسلام فرمودند تا این جا که می فرماید: «اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني» معرفت امام نقش کاملی دارد. مرد و زن در هویت سازی خود، تنها کافی نیست که بگویند بنده خداییم؛ بلکه بنا بر تفکر شیعی، باید یک حجت حی و زنده داشته باشد؛ لذا نقش امام زمان علیه السلام این طور نیست که خارج از وجود ما تصور شود. پس اولین مسئله، این که امام زمان را باید در وجود خودمان بیابیم. پس اگر معرفت امام در خودشناسی و خداشناسی من اثر دارد در این زمینه زن و مرد هر دو مساوی اند؛ اما وقتی در مرحله عمل، نقش های زن و مرد می آید، زن به ویژه این هویت سازی را در فرزند خودش ایجاد کند، یعنی فضا سازی می کند که این هویت شکل بگیرد؛ لذا باید راه هایی را پیدا کنیم که براساس آن چطور این سرشت فرزند ما با نام مبارک حضرت عجین شود. اگر می بینیم زنان بزرگی مثل مادر سید مرتضی و سید رضی با داشتن وضو فرزندان خود را تربیت می کنند یک نوع هویت سازی است. در عصر غیبت باید با قصه، داستان و تذکر، این زن، بچه را - چون در درون خانواده، محور زن است - هویت سازی بکند.

دیگری، توامی است. سوره والعصر که بعضی تفسیر به حضرت کرده اند را برای فرزند تفسیر کند و این هویت را به فرزندش منتقل کند. در اعیاد شعبانیه با نشست و برخاست ها و زنده نگه داشتن یاد حضرت هویت سازی را تجلی می دهد. اما عرصه سومی که باید هویت سازی را جدی گرفت، جامعه مهدوی است که نقش زن این است که اگر جامعه ای را می بیند که نام مهدی در آن زنده نیست خودش را حرکت دهد تا هویت انسان ها شکل بگیرد. یک مثال در شهر قم بگویم که کودکان به شیوه قمی ها اعیاد شعبانیه را تکریم می کنند، نقش مادر در همین که شرایط را فراهم کند و فرزندش را تشویق کند به این که این کار را انجام دهد، فکر می کنم اگر این را مدنظر قرار دهیم که زن چگونه در نظام جامعه و اجتماع هویت

سازی کند، می‌توانیم یک نقش جدی را برای ایفای نقش زنان نسبت به عرصه مهدوی ارائه کنیم.

خب، حال می‌خواهید سؤال‌های دیگری را مطرح کنیم یا بحث را باز بگذاریم تا هر کس بحث مورد نظر خودش را مطرح بنماید.

خانم معین الاسلام: مباحث مطرح شده، افق‌های جدیدی را باز کرده که نشان می‌دهد جای کار بسیاری وجود دارد و لذا از برگزاری این جلسات باید تشکر کرد. اما باید نسبت به بحثی که خانم صادقی مطرح کردند که کسی انسان‌ها را تربیت نکند، باید نکته‌ای عرض کنم که الان جامعه غرب قصد دارد خانواده را خلع سلاح کند و اعتماد به نفس خانواده را در تربیت فرزندان از بین می‌برد؛ به سبب این که اینها در تحقیقات خودشان به این نتیجه رسیده‌اند که تا خانواده است و از ثبات کافی برخوردار است طبیعتاً تمام نقشه‌های دشمن، نقش بر آب است؛ چون نقطه ثقل جامعه، خانواده است. ویلیام کاردنر در کتاب خود به نام جنگ، علیه خانواده خیلی زیبا این مسئله را مطرح می‌کند. ایشان می‌گوید خانواده، موتور مولد همه ارزش‌های حیاتی جامعه است. ولی با کمال تأسف، امروزه با مسائلی چون آزادی جنسی، ازدواج کمتر، طلاق آسان، هم‌جنس‌بازی بیشتر، چند همسری، افزایش خانواده‌های تک سرپرست، فرزندان تنها در خانواده و تمام اینها که با هم مرتبط هستند به جنگ علیه خانواده رفته‌ایم. و تافلر هم در کتاب «موج سوم» مطرح می‌کند که اگر می‌خواهیم بچه‌ها احساس گناه نکنند باید نسبت به کار زشتی که انجام می‌دهند خانواده را دچار ویرانی نماییم. نقش خانواده بسیار مهم است تجربه هم نشان می‌دهد که بچه‌ها وقتی وارد اجتماع بزرگ‌تری می‌شوند، مثلاً در دانشگاه‌ها منفعل می‌شوند و تأثیر می‌پذیرند که نشان می‌دهد در خانواده مستحکم و با تربیت اصولی بزرگ نشده‌اند. تجربه نشان می‌دهد به میزانی که خانواده سعی و تلاش خردمندانانه و آگاهی و بینش دینی داشته باشد می‌تواند در تربیت نسل ولایی موفق باشد. در آموزه‌های دین از لحظه انتخاب

همسر، انعقاد نطفه و شیر دادن و ... دستور داریم. چند درصد از جامعه ما چنین قدم‌هایی را برمی‌دارد و براساس آنها تربیت می‌کند تا هم انتظار داشته باشیم که نسل ولایی داشته باشیم و این را در خانواده‌ها می‌توانیم به خوبی مشاهده کنیم. واقعاً اگر خانواده‌ها آن اهتمام جدی را نسبت به تربیت فرزندان داشته باشند قطعاً الان هم علیرغم تمام تدابیر دشمن می‌توانند مؤثر باشند و این که بگوییم خانواده نقشی ندارد و این جامعه است که تربیت می‌کند چیزی است که دشمن می‌خواهد و می‌خواهد ما را منفعل کند و بچه‌ها را بسپاریم به دست جامعه. در حالی که اگر پدر و مادر، مقید به رعایت آداب اسلامی باشد؛ به طوری که ازدواج و انعقاد نطفه و شیر دادن و ... همه براساس آداب الهی باشد و هم‌چنین آشنا به تحولات جامعه و ساز و کارهای تربیتی باشد قطعاً می‌تواند حرف اول را در تربیت بزند. لذا باید خانواده را تقویت کنیم. به نظر می‌رسد در یک برنامه فرهنگی گسترده باید روی توان‌مندسازی خانواده، بالاخص خانواده، سرمایه‌گذاری شود و راهکارهای مقابله با تدابیر دشمن برای تخریب هویت دینی فرزندان را به آنان نشان دهیم. به خانم‌ها باید اعتماد به نفس داد. تجربه نشان می‌دهد که هر وقت به آنها آگاهی دادیم چنان اعتماد به نفس بالایی پیدا کرده‌اند که در عرصه تبلیغ و تربیت و ... احساس توان‌مندی می‌کنند. ما باید آموزه‌های دینی را در جامعه احیا کنیم. الان واقعاً عملکردمان در زندگی و تربیت براساس میل و هوای خودمان است نه آموزه‌های دینی.

خانم صادقی: بحث خانواده، بحث مفصلی است که در جای خود نیاز به بحث دارد. منتها در پاسخ خانم معین‌الاسلام، چند سؤال مطرح می‌کنم؛ ما خانواده را اصل می‌دانیم و در قانون اساسی مان نیز از خانواده به عنوان هسته اولیه یاد کرده‌ایم. این صحیح، اما داریم نسبت به جامعه کنونی و واقعیت‌هایی که وجود دارد حرف می‌زنیم. سؤال داریم که اگر اصل است - که هست - در جامعه کنونی ما در بین اهداف نظام برای تحکیم بنیان خانواده و برای ساخته شدن بنیان خانواده چه برنامه

ریزی هایی صورت می گیرد. می گوئید در دنیا می فرمایید دارند خانواده را نابود می کنند و برای این منظور، قانون درست می کنند، هم جنس گرایی را ترویج می کنند و برای از بین بردن بنیان خانواده، بستر سازی می کنند؛ یعنی خود خانواده هم متأثر از قوانین و برنامه های اجتماعی است. البته این بحث بسیار عظیمی است که دنیای غرب برای ما ایجاد کرده؛ ولی ما بستر سازی مناسبی نکرده ایم. واقعیت های دیگر را هم باید ببینیم. فرزندان موقتی وارد جامعه می شوند واقعاً نهادهایی که در شکل گیری فرزند و خانواده تأثیر دارند و بسیار متعدد هستند؛ مثل مدرسه، دانشگاه ها، فرهنگستان ها و... امروزه نمی توان ثابت کرد که تأثیر گذاری خانواده بر فرزندان قوی تر از تأثیر گذاری جامعه بر فرزندان است. در واقعیت امر، خانواده، محل تولید اخلاق و فرهنگ است؛ لذا این خانواده باید در ساختارهای اجتماعی محور قرار گیرد و برای محوریت یافتن آن برنامه ریزی و بستر سازی شود.

دکتر بهروز لک: از حضور اساتید در دفتر فصلنامه بسیار سپاس گزاریم.

یکی از عرصه های مهم در بحث مهدویت، موضوع زن و مهدویت است و یقیناً چنین گفت و گویی، فتح باب است و نه ختم بحث. و مخاطبان ما هم باید در آینده - انشاء... - بحث را همراهی کنند تا با اصلاح جامعه همراه شود و زمینه ساز جامعه زیبای مهدوی باشد.

